

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«بِسْمِ اللَّهِ» باقربسی کتیبه سنگ‌نوشته مسجد کبود تبریز به خط ثلث (۸۷۰ هجری قمری)



# معماری و برساخت سوژگی

نویسندگان:

سجاد مسگرزاده

محمد جواد عباسزاده

سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
شابک  
وضعیت فهرست نویسی  
یادداشت  
موضوع  
موضوع  
معماری و جامعه  
Architecture and society  
بازارها -- ایران -- تبریز -- طراحی و ساخت  
Bazaars (Markets) -- Iran -- Tabriz -- Design and construction  
معماری -- ایران -- تبریز  
Architecture -- Iran -- Tabriz  
عباس زاده، محمدجواد، ۱۳۶۸-  
شورای اسلامی شهر تبریز. مرکز پژوهشها. انتشارات  
۹ الف/۲۷۵ N.A.۶۲۷۵  
۷۱/۵۵۲۴۰۹۵۵۳۲۲۲  
۱۰۴۲۷۱۶  
فیبا  
شناسه افزوده  
شناسه افزوده  
رده بندی کنگره  
رده بندی دیویی  
شماره کتابشناسی ملی  
اطلاعات رکورد کتابشناسی

## معماری و برساخت سوژگی

- مؤلفان: سجاد مسگرزاده
- محمدجواد عباس زاده
- ناظر: محمد عباس زاده
- صفحه‌آرا: سهیلا یوسفی
- چاپ اول: پاییز ۱۴۰۴
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- چاپ و صحافی: ولیعصر
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۸۵۲۷-۴-۴
- قیمت: ۲۲۵ هزار تومان



**انتشارات**  
مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی  
کلان‌شهر تبریز



[rctbz.tabriz.ir](http://rctbz.tabriz.ir)

- تبریز
- بزرگراه پاسداران
- کوی فرشته جنوبی
- ساختمان شورای اسلامی شهر تبریز
- تلفن: ۴۱۵۱۰۴۲۲ (۰۴۱)

© کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

---

## فهرست

---

مقدمه ناشر..... ۹

پیشگفتار..... ۱۱

### مقدمه

جامعه‌شناسی و فضای معماری..... ۱۵

### جستار اول

سوژگی..... ۲۳

نظریه‌های سوژگی..... ۲۶

الگوی سوژکتیو ساخت: اصالت عقل..... ۲۶

هگل: منشأ یک گذار..... ۳۱

هایدیگر: دازاین (وجود از قبل تعیین شده)..... ۳۳

لاکان: نظام نمادین..... ۳۹

آلتوسر: مؤاخذه ایدئولوژیکی..... ۴۱

فوکو: اخلاق و تکنیک‌های خود..... ۴۵

- ۴۸ ..... باتلر: اجرای هویت
- ۵۰ ..... ژیتک: سوژه قبل از سوژگی‌گزینی
- ۵۴ ..... مقایسه رویکردهای سوژگی

### جستار دوم

- ۵۹ ..... فضای معماری
- ۶۱ ..... فضا از معماری تا جامعه‌شناسی

### جستار سوم

- ۶۹ ..... فضای معماری و سوژه
- ۷۱ ..... پروبلماتیزه کردن فضا
- ۷۲ ..... رویکرد قدرت محور
- ۷۲ ..... واژه شناسی: دیسپوزیتیف
- ۷۵ ..... دستگاه نظم و امنیت
- ۷۷ ..... فضا در دستگاه نظم
- ۸۱ ..... فضای انضباطی مدرن: منیومنت‌ها و منیومنتالیتی
- ۸۴ ..... فضا در دستگاه امنیت
- ۸۹ ..... رویکرد دیالکتیکی
- ۹۴ ..... تولید فضا: دیالکتیک هستی‌شناختی لوفور
- ۱۰۳ ..... آرمان شهر پسا سرمایه‌داری: دیالکتیک غایت‌شناختی لوفور
- ۱۰۵ ..... رویکرد بازتنظیمی
- ۱۰۶ ..... واژه شناسی: تقدس‌زدایی
- ۱۰۷ ..... کنش بازی

- بازی تقدس‌زدایی در مقابل سکولاریسم و دین سرمایه‌داری ..... ۱۰۹
- تقدس‌زدایی آگامین در مقام رویکرد باز تنظیمی در طراحی و معماری ..... ۱۱۵
- استخراج الگوها ..... ۱۲۲

### جستار چهارم

- نظریه در میدان ..... ۱۲۷
- روش مطالعه میدان ..... ۱۳۱
- پدیدارشناسی هرمنوتیک: رویکرد جهان‌های وجودی ون مانن ..... ۱۳۳
- روش جمع‌آوری داده‌های میدانی ..... ۱۳۶
- شناخت فضاهای معماری مورد مطالعه ..... ۱۳۶
- تاریخچه و ریشه شکل‌گیری بازار تبریز ..... ۱۳۷
- نحوه نامگذاری فضاها در بازار تبریز ..... ۱۴۴
- مردم‌شناسی بازار تاریخی تبریز ..... ۱۴۶
- سکونت در بازار تبریز ..... ۱۴۷
- حمل و نقل در بازار تبریز ..... ۱۴۸
- گروه‌های تشکیل دهنده بازار تبریز ..... ۱۴۹
- جنسیت و تقسیم مشاغل در بازار تبریز ..... ۱۵۷
- بررسی و شناخت مجتمع تجاری و تفریحی لاله پارک ..... ۱۵۷
- مقایسه تطبیقی مفاهیم در بازار تاریخی و مجتمع‌های مدرن تجاری ..... ۱۶۵
- کیفیت فضایی بازار و مجتمع‌های تجاری ..... ۱۶۵
- حس مکان در بازار و مجتمع‌های تجاری ..... ۱۶۷
- خوانایی مسیر در طراحی بازارهای سنتی و مراکز تجاری ..... ۱۷۱
- تحلیل مفاهیم در بازار سرپوشیده تبریز و لاله پارک ..... ۱۷۷

## جستار پنجم

- ۱۸۱ ..... یافته‌های میدان
- ۱۸۳ ..... نحوه مواجهه با داده‌های میدان
- ۱۸۴ ..... تجربه زیسته: جهان‌های وجودی
- ۱۸۷ ..... فضای زیسته
- ۱۸۸ ..... بعد کالبدی فضای زیسته: آجر و حرمت در مقابل شیشه و نفوذپذیری
- ۱۹۴ ..... بعد کاربری فضای زیسته: قلب اقتصاد در مقابل هتروتوپیا
- ۲۰۴ ..... بدن زیسته: تنظیمات بدنی
- ۲۱۳ ..... زمان زیسته: جریان زمان
- ۲۱۸ ..... سن و تجارب زیسته
- ۲۳۱ ..... روابط انسانی زیسته: ژست‌ها
- ۲۳۵ ..... دگرگمان طبقاتی در مقابل اتوپییای سوسیالیستی
- ۲۳۸ ..... نکته پایانی
- ۲۴۱ ..... منابع

## مقدمه ناشر

این پرسش که «چگونه با مسائل‌مان روبرو شویم؟» دلمشغولی مهمی برای مدیران، متولیان و نخبگان شهرهاست. کوشش‌های پیرامون برای یافتن پاسخ‌های مطلوب به این پرسش اساسی، حتی اگر لزوماً به حل مسائل شهری ختم نشود، موجب رشد دانش شهری در جوامع مختلف شده است. جامعه شهری ایران نیز همپای تحولات جهانی، با دسته‌ای از مسائل روبروست که نمی‌توان آنها را انکار کرد یا نادیده گرفت یا حتی تعلیق نمود. گریزی از درگیری با این مسائل نیست و هرگونه تاخیر در درک و حل آنها، هزینه‌های جبران‌ناپذیری برای امروز و فردای ما تحمیل می‌کند.

در مواجهه با مسائل شهری، نخستین ضرورت، درک صحیح از مسائل است؛ درک صحیح یعنی اشراف بر زمینه‌ها، ابعاد و پیامدهای مسئله و نتیجه چنین درکی، طراحی درست صورت مسئله خواهد بود. واضح است که در فقدان صورت مسئله درست، راه‌های حل مسئله به روی ما بسته خواهد بود و جز اتلاف زمان و منابع، نصیبی نخواهیم داشت.

بر این اساس، سیاستگذاران شهری، می‌کوشند با بکارگیری شیوه‌های روزآمد و کارآمد در طراحی درست مسائل شهری، نیروهای موجود و در دسترس را برای حل مسائل تجهیز کنند. پژوهش‌های شهری، معطوف به چنین رسالتی

شکل می‌گیرند و تبدیل به رکن سیاستگذاری و مدیریت شهری می‌شوند. مطالعه تجربه‌های مدیریت شهری در ایران و سایر جوامع حکایت از این دارد که مدیریت‌های مطلوب، با پژوهش‌های مسئله‌محور و موثر پیوند دائمی دارند. این رویکرد، البته امروز از امری ویتروینی به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شده است و سیاستگذاران شهری، بی‌توجه به چنین ضرورتی، توفیق چندانی در گره‌گشایی و اعتلای شهرها نمی‌یابند.

مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز، به عنوان بازوی پژوهشی و کارشناسی نهاد مردمی شورای اسلامی شهر، رسالتی در همین مسیر بر دوش دارد. ارتباط مستمر با جامعه دانشگاهی، کارشناسان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف مدیریت شهری، ارجاع مسائل شهر به ایشان و دریافت پاسخ‌های راهگشا و موثر برای حل مسائل، زنجیره اقدامات مرکز را شکل می‌دهد.

بخشی از یافته‌های پژوهشی در قالب گزارش‌های کارشناسی، به صورت عمومی عرضه می‌شود. مخاطب این گزارش‌ها، سیاستگذاران، مدیران و افکار عمومی است. بخش دیگری از دستاوردهای پژوهشی، با هدف تولید ادبیات، تقویت دانش شهری و دامن زدن به گفتگوهای انتقادی، در قالب کتاب منتشر می‌شود. ارزش‌های پیدا و پنهان آثار مکتوب، بر کسی پوشیده نیست. ما امیدواریم مجموعه آثار منتشر شده توسط این مرکز، به پشتوانه نقد و نظر اصحاب فکر، صاحبان اندیشه و تجربه در امور شهری، سهمی در درک و حل مسائل و در نهایت، بهبود وضعیت و کیفیت زندگی شهری داشته باشد.

روح‌الله رشیدی

رئیس مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی کلانشهر تبریز

## پیشگفتار

بینش جامعه‌شناختی همواره این امکان را برای ما فراهم می‌کند که از سطوح بدیهی، عادی‌سازی شده و پیش‌پافتاده امور و پدیده‌های اطرافمان فراتر رویم که در چنین فرارفتن‌هایی بوده که حوزه‌ها، نگرش‌ها، پدیده‌ها، مسائل و موضوعات مختلف جامعه‌شناسی و متعاقباً مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با آن شکل گرفته و منجر به توسعه جامعه‌شناسی به تمامی ابعاد و حوزه‌های زندگی بشری از اخلاق تا تکنولوژی شده است. با این وجود، برخی از حوزه‌ها و ابعاد پدیده‌های اجتماعی از جمله فضا یا به عبارت دقیق‌تر مطالعات جامعه‌شناختی فضا به ویژه در ایران اغلب مورد غفلت واقع شده است. بیش جامعه‌شناختی، فضا را نه به عنوان یک محیط خنثی، بلکه به عنوان بستری پویا و معنادار در نظر می‌گیرد که تحت تأثیر روابط اجتماعی، قدرت، فرهنگ، و اقتصاد شکل می‌گیرد و متقابلاً بر آنها تأثیر می‌گذارد. بر همین اساس، جامعه‌شناسی فضا به عنوان یکی از حوزه‌های میان‌رشته‌ای علوم اجتماعی، به بررسی رابطه پیچیده بین فضاهای جغرافیایی، معماری، و ساختارهای اجتماعی می‌پردازد. از دیدگاه جامعه‌شناسانی مانند میشل فوکو و هانری لوفور فضا صرفاً یک ظرف فیزیکی نیست، بلکه محصولی اجتماعی است که بازتاب‌دهنده

نابرابری‌ها، هویت‌ها، و روابط قدرت در جامعه است. برای مثال، طراحی شهری، تقسیم‌بندی محله‌های فقیر و ثروتمند و حتی معماری ساختمان‌های عمومی همگی می‌توانند سازوکارهای سلطه، انزوا، یا همبستگی اجتماعی را تقویت کنند.

ایده ذهنی اولیه این کتاب، براساس چنین بینش جامعه‌شناختی به فضا شکل گرفت. تفاوت‌های فضایی به ظاهر بدیهی و عادی (از نوع ژست‌های بدنی و ارتباطی تا چیدمان فضایی و کالبد فیزیکی) که در زندگی روزمره تجربه می‌کنیم در واقع، حکایت از روابط و سازوکارهای پیچیده و معناداری دارد که باید کشف و شناسایی شوند. نقد فضا یکی از روش‌های مؤثر برای انجام چنین مطالعاتی است. چنین نقدی مستلزم بررسی روابط قدرت یا گفتمان حاکم با کالبد فیزیکی (یعنی معماری) و آگاهی عمل (یعنی سوژگی) است. موضوعی که در گفتمان‌های مرتبط با برنامه‌ریزی شهری و چشم‌اندازهای ساخت و ساز اهمیت بسیار زیادی دارد. چرا که به این مسئله می‌پردازد که سیاست‌های عمومی تجلی یافته در کالبد شهر (معماری‌ها و طراحی‌ها شهری) تا چه حد منعکس‌کننده قدرت یا گفتمان حاکم است. از نظر فوکو در پاسخ به همین مسئله بود که برنامه‌ریزی شهری و معماری از قرن ۱۷ به بعد به عنوان یک دستگاه سازگارکننده و عادی‌ساز از طریق تولید فضاهای ارزشی، هنجاری و انضباطی، با استفاده از نما (شکل هندسی) و نظارت، به عنوان وسیله‌ای جهت تنظیم فضایی هدفمند هویت و سوژگی در زندگی روزمره، تلقی شد. در نتیجه، شهر و معماری آن به یک فضای قابل دست‌رس برای اعمال سیاست‌های هویتی و سوژگی تبدیل شد. به بیان ساده‌تر، امروزه فضای

معماری شهری به عنوان یک میانجی که از طریق آن می‌توان سوزگی را جهت و حتی شکل داد در نظر گرفته می‌شود. این فضاها هم به طور آشکار و هم به طور ضمنی منعکس‌کننده استقرار نظم اجتماعی و سیاسی وسیعی هستند. در حقیقت چنین فضایی یک فضای گفتمانی است که از طریق آن سیاست‌های عمومی کدبندی، اقدام و مذاکره می‌شوند و در نهایت در قالب معماری تجلی می‌یابد که تنظیمات سوزگی خاص خود را تولید و باز تولید می‌کنند.

سجاد مسگرزاده

پاییز ۱۴۰۳



مقدمه

جامعه‌شناسی و فضای  
معماری



فضا مفهومی است پیچیده و غامض که هنوز تعریف واحدی از آن ارائه نشده است و هر کس بر اساس دیدگاه خود برداشت خاصی از آن را ارائه می‌دهد. از طرف دیگر این مفهوم در علوم گوناگون از فیزیک و ریاضیات گرفته تا معماری، روان‌شناسی، فلسفه و جامعه‌شناسی کاربردهای فراوانی دارد و تعاریفی که از آن ارائه شده است متناسب با همان کاربردهایش در علوم گوناگون است. بیشترین مباحث در ارتباط با فضا در حوزه فلسفه شکل گرفته است. فلاسفه و اندیشمندان شرق و غرب از دیرباز به مفهوم فضا توجه کرده و تعاریفی از آن به دست داده‌اند. به طور کلی معانی ارائه شده از فضا در دو دسته فضای مطلق (قائم به ذات) و فضای نسبی (وابسته به اشیا) قرار می‌گیرند. افلاطون معتقد بود ماهیت فضا ثابت بوده و جسم نرمی است که در حضور اشیا به صورت‌های مختلف ظاهر می‌شود و هرگز صورتی شبیه به صورت اشیا نمی‌گیرد زیرا هرگز تغییر ماهیت نمی‌دهد. ارسطو نیز اعتقاد داشت فضا مجموعه‌ای از مکان‌ها و بر هر چیزی مقدم است به طوری که قابلیت پذیرش کمیت و کیفیت را دارد. نیوتن وجود فضا و زمان را مستقل از اجسام و حوادثی که در آنها قرار دارند، تعریف می‌کند؛ از نظر نیوتن فضای مطلق بدون ارتباط با هیچ امر خارجی، همواره ثابت و متشابه الاجزاست (برت، ۱۳۷۴). نظریه فضای مطلق، وجود فضا را بر وجود اشیا و

رویدادها مقدم می‌داند، در مقابل نظریه فضای نسبی وجود فضا را به حضور اشیا و رویدادها وابسته می‌داند. فضای نسبی بیان می‌کند که فضا وقتی که شی یا اشیایی وجود داشته باشند و میان آنها روابط معینی برقرار باشد، به وجود می‌آید، یعنی وجود فضا نسبت به وجود اشیا متأخر است و در اصل چنین دیدگاهی موجودیت فضا را به ادراک انسانی وابسته می‌کند. (Madanipourar, 1996: 27).

لایب نیتس یکی از نخستین فیلسوفانی است که فضا را نه به صورت مطلق، بلکه آن را به صورت روابطی میان چیزهای بدون حجم و ذهنی می‌دید. او فضا را نظام اشیای همزیست، یا نظام وجود برای تمام اشیایی که همزمان اند می‌دید (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۸۴). لایب نیتس بر خلاف رویکرد مطلق‌گرایی برای اولین بار بر تأثیر ذهن [سوژه] در ایجاد فضا و مکان تأیید می‌کند ولی همچنان اعتقاد داشت که ذهن، زمان و فضا متأخر از جسم و معلول جسم‌اند و وجود اجسام مقدم بر وجود فضا است (مشکواه الدینی، ۱۳۴۵).

با این وجود، با پیدایش فلسفه ایدئالیسم آلمانی گرایش سومی از فضا شکل گرفت که معتقد است فضا امری است نسبی و حاصل تصورات ذهنی. این دیدگاه از جانب کانت مطرح شد که فضا را متعلق به ساختار ذهنی فکر می‌دانست و نه مفهومی تجربی و حاصل تجربیات به دست آمده در دنیای بیرونی. او معتقد بود فضا را صرفاً می‌توان از دیدگاه انسان تعریف کرد و ورای وضعیت ذهنی او باز نمودهای فضا به هر شکل که باشد، معنایی ندارد. کانت معتقد بود، فضا و زمان نمی‌توانند قائم به ذات باشند و فقط در ما وجود دارند. بدین ترتیب و با این دیدگاه، آنچه ما اشیای خارجی می‌نامیم، هیچ چیز دیگری جز نمونه‌های صرف احساس‌های ما نیستند که شکلشان فضاست. در واقع، وجود فضا در نظر فلسفه ایدئالیسم به انسان و ویژگی‌های وی وابسته است؛ همچنین از نظر کانت، فضا به مثابه یک شهود محض است که تمام ایزه‌ها و روابط بین آنها را دربر می‌گیرد، از نظر وی، فضا و زمان صورت‌هایی هستند که انسان بر امور اعمال می‌کند که اساس آن در ذهن انسان و نه در دنیای خارج است. وی معتقد است فضا، یک انگاره تجربی مشتق شده از تجارب و آزمایش

های بیرونی نیست و پیش از تمام تجارب دربردارندهٔ اصولی است که ارتباط بین ابره‌ها را موجب می‌شود، بنابراین فقط از دیدگاه انسانی است که ما می‌توانیم از فضا سخن بگوییم (به نقل از مستغنی، ۱۳۸۴: ۸).

پیامد رویکردهای ایدئالیستی به فضا، باز شدن پای سوژه بر مناقشات مربوط به فضا شد. قبل از رویکردهای ایدئالیستی سوژه نقشی در تعریف فضا و رابطه با فضا نداشت و اساساً نقشی برای آن متصور نمی‌شد. اما اکنون مناقشه جدید شکل می‌گیرد که سوژه چه نقشی در تولید یا باز تولید فضا یا برساخت آن دارد. ریشه مفهوم سوژه را می‌توان در آراء دکارت جستجو کرد. جایی که دکارت تأمل درباره خود را مطرح می‌کند. در واقع شرح مشهور جمله «فکر می‌کنم پس هستم» در کتاب گفتار در روش، هستی انسان را به مثابه موجودی که در جدال دانستن است تعریف می‌کند، گرچه شناخت کامل کاری عبث است. پس سوژگی از اصطلاح هویت متفاوت است، گرچه هر دو واژه بعضاً به جای یکدیگر استفاده شده است. بدین منظور هویت فرد را می‌توان مجموعهٔ خاصی از رفتارها، اعتقادات و تعهدات کوتاه یا بلند مدت در نظر گرفت که به فرد شخصیت و حالت باثبات یک موجود اجتماعی را می‌دهند، درحالی‌که سوژگی همیشه به درجه‌ای از تفکر و خود آگاهی درباره هویت و شیوه‌های (روش‌های) ارتباط با خود و جهان اشاره دارد، و همزمان محدودیت‌های زیاد و قید و بندهای غیرقابل شناخت و اجتناب‌ناپذیر را بر توانایی مان در فهم کامل هویت تحمیل می‌کند. سوژگی در حکم یک مفهوم نقادانه از ما دعوت می‌کند تا این پرسش را در نظر بگیریم که هویت چگونه و از کجا سرچشمه می‌گیرد؛ تا چه حد قابل درک است؛ و تا چه درجه‌ای ما بر آن تأثیر یا کنترل داریم (هال، ۱۳۹۶: ۱۶).

رویکردهای نظری نسبت به رابطه بین سوژه و فضا زمینه ساز پیدایش مطالعات جامعه‌شناختی فضا شد که طیفی از ایدئالیسم آلمانی (سوژه محور) تا رویکردهای قدرت محور قرن بیستمی از جمله فوکو و لوفور را شامل می‌شوند. در بین این طیف رویکردهای بازتنظیمی (از جمله آگامبن) قرار می‌گیرد. بر همین اساس، یکی از قلمروهای مورد بحث در مطالعات جامعه‌شناختی فضا،